

متن حاضر قسمتی از نمایشنامه آرش نوشته بهرام بیضایی میباشد  
بنا بر حس و شیوه نگارش الزاما هر آنچه در متن میباشد بدون هیچ تغییری ادا گردد  
شیوه خوانش صحیح بر اصول چنین نوشتاری می باید اجرا گردد  
کلمات و مکث ها و دیگر قسمتهایی که برای یک اجرای خوب حیاتی است بکار رود و  
سعی شود ادای درست کلمات کامل و شفاف باشد  
قسمتهای نقطه چین برای همسرایان در صحنه بوده که حذف شده

راوی : ایشان ، مردان \_ مردان\_ ایران \_ با دل خود ، با دل اندوهبار خود می گویند

.....

راوی : و راست چنین بود . زیراک ایشان از جنگ دراز آمده بودند . که جنگ درازشان  
سخت بود . که تیر انداز از تیر و کماندار از کمان پیدا نبود . و بی نشان مردها هزار\_ هزار  
، از سرزمینهای دور\_ دور آمده بودند . از سرزمینی که کمان خوب دارد ، از آنجا که بَرَش  
چهار گونه باد می وزد ، یا دشتی که دَرَش پر آب ترین رود می رود . و چنین ، هر کس از  
هر جا آمده بودند . ورکه از مردان هرگز به سرزمین خود بازنگشتند ، و دلها پر اندوه ، که  
آسمان تاریک بود ، که خورشید گریخته بود \_ هیچ روشنی بر جنگ و مرد جنگ نبود و  
چگونه از زمین سرخ گیاه سبز برآید ؟

.....

راوی : ای آرش ، به جای پیک مردی می جویند . من گفتم تو زبان دشمن را نیک می دانی  
و پیغام بی کم و کاست می بری \_ اینک بازگرد و در این تیره گردِ دمان بنگر